



مجتمع آموزش عالی فقه

مدرسه عالی فقه تخصصی

رساله دکتری رشته‌ی فقه سیاسی

گرایش روابط بین الملل

موضوع:

# تبیین نظریه‌ی قدرت در فقه سیاسی و نتایج راهبردی آن در روابط بین الملل

استاد راهنما

عباس کعبی (زیرنظر)

استاد مشاور

دکتر محمد ستوده (زیرنظر)

پژوهشگر

محمد علی جوادی

زمستان ۱۳۹۸

# بسم الله الرحمن الرحيم



## تقدیم

تقدیم به روح برادر شهیدم، محمد رضا جوادی و تمام شهدای مظلوم مدافع حرم؛ آن‌ها که در مظلومیتی مضاعف به غربت مولایشان اقتدا کردند، تا دست حرامی از حرم کوتاه گردد.

## تقدیر و سپاس

از باب من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق، بر خود بایسته و ضروری می‌دانم که از تمام کسانی که در طول این سال‌ها به نحوی در فراهم سازی مقدمات تحصیل برای این جانب و نیز در تدوین این رساله مرا یاری رسانده‌اند، کمال سپاس و امتنان خود را ابراز دارم. از مسئولین مدرسه‌ی تخصصی فقه نیز نهایت قدردانی را به عمل می‌آورم. در عین حال، مساعدت‌ها و هدایت‌های استاد راهنما، حضرت آیت الله عباس کعبی دامت توفیقاته، و نیز مشورت‌های دلسوزانه و راه‌گشای استاد مشاور جناب دکتر محمد ستوده، بیش از همه مرا در تدوین این رساله یاری رسانده‌اند و از این رو، در خور سپاسی ویژه می‌باشند. امید که توانسته باشم در رساله‌ی پیش رو، کاری در خور و سزاوار همراهی و عنایت این بزرگواران ارائه کرده باشم.

## چکیده

رساله‌ی حاضر بر اساس سوال از چیستی قدرت و نتایجی که پاسخ به این سوال به لحاظ راهبردی در سطح بین الملل برای دولت اسلامی به دنبال دارد، شکل گرفته است. بر اساس دستاوردهای نگارنده در جریان این تحقیق، قدرت در فقه سیاسی صرفاً در مقام تخصیص اراده‌ها و غلبه‌ی یک اراده بر اراده‌ی دیگر تبلور و تحقق نمی‌یابد. هر نوع کنترل هدفمند، در واقع نوعی اعمال قدرت است و از همین رو، هر نوع تاثیرگذاری بر دیگر کنشگران اجتماعی، فارغ از آن که از طریق غلبه‌ی آشکار و ظاهری باشد یا از طریق حذف ملاحظات دیگر کنشگران از چرخه‌ی تصمیم‌سازی و یا حتی از طریق تغییر ساختار نگرشی و ارزشی آن‌ها، مصداقی از اعمال قدرت می‌باشد. به خلاف بسیاری که معتقدند اسلام به ساحات ساختاری اعمال قدرت توجهی نداشته و بیشتر بر کنشگر و عامل تمرکز دارد، این رساله نشان داده است که در فقه سیاسی توجه به ساحات ساختاری و پارادایمیک قدرت نیز مورد توجه و عنایت بوده است. بر همین اساس، پس از این که جهاد فی سبیل الله به عنوان مبنای تدوین راهبرد اتخاذ شده، راهبردها نیز در دو فضای راهبردی ارائه شده است. در فضای نخست، فقه سیاسی نظر به اصلاح و تغییر ساختارها و پارادایم‌های موجود دارد و در فضای دوم، متناسب با شرایط و ساختارهای منازعه پرور موجود اقدام به طراحی راهبرد می‌کند. راهبرد دعوت، همان راهبردی است که نظر به اصلاح ساختارها و پارادایم‌های حاکم بر هستی اجتماعی انسان‌ها دارد و هدف از آن برقراری پارادایم عقلانیت الهی و فطرت انسانی است. راهبردهایی همچون بازدارندگی، خوداتکایی و ایجاد ائتلاف، نظر به شرایط استمرار منازعه، توصیه و پیشنهاد می‌شوند و مادام که پارادایم غریزه بر روابط میان انسان‌ها حاکم است، دولت‌های اسلامی می‌توانند به این راهبردها متوسل شوند.

واژگان کلیدی: قدرت، فقه سیاسی، راهبرد، منازعه، توازن قدرت

## فهرست عناوین

تقدیم.....	أ
تقدیر و سپاس.....	ب
چکیده.....	ج
فهرست عناوین.....	د
فصل اول.....	۱
کلیات و مفاهیم.....	۱
مقدمه.....	۲
۱. کلیات.....	۲
۱/۱. طرح مساله.....	۲
۱/۲. سوالات تحقیق.....	۳
۱/۳. فرضیه تحقیق.....	۴
۱/۴. پیشینه‌ی تحقیق.....	۴
۱/۵. ضرورت و اهمیت تحقیق.....	۶
۱/۶. روش تحقیق.....	۷
۱/۷. الگوی تحلیل.....	۸
۲. مفاهیم.....	۹
۲/۱. قدرت.....	۱۰
۲/۱/۱. قدرت در لغت.....	۱۰
۲/۱/۲. قدرت در فلسفه و کلام.....	۱۱
۲/۱/۳. قدرت در فقه.....	۱۲

۱۳	..... قدرت در علوم سیاسی
۱۷	..... راهبرد
۱۸	..... نظریه
۲۰	..... فقه
۲۱	..... فقه سیاسی
۲۵	..... جمع بندی فصل
۲۷	..... فصل دوم
۲۷	..... مبانی نظری تحقیق
۳۰	..... 1. مبانی معرفت‌شناختی
۳۱	..... ۱/۱. نسبت قدرت و معرفت
۳۴	..... ۲/۱. تعیین اجتماعی معرفت
۳۵	..... ۳/۲. قرآن و تعیین اجتماعی معرفت
۳۹	..... ۲. مبانی هستی‌شناختی
۴۰	..... ۱/۱. نسبت هستی و قدرت
۴۲	..... ۲/۲. ذات‌گرایی
۴۳	..... ۳/۲. قانون‌مندی هستی
۴۷	..... ۴/۲. دولت‌ها
۴۸	..... ۵/۲. ساختار و کارگزار
۴۸	..... ۱/۴/۱. چستی ساختار
۵۳	..... ۱/۴/۲. دیدگاه‌های مطرح در مساله‌ی ساختار و کارگزار
۵۴	..... قوام بخشی متقابل ساختار و کارگزار

۵۶	اصلاح‌پذیری و امکان تحول در ساختارها
۵۸	۳. مبانی انسان‌شناختی
۵۹	۳/۱. نسبت انسان و قدرت
۶۳	۳/۲. سرشت انسان و قدرت
۷۲	جمع بندی فصل
۷۵	فصل سوم
۷۵	سرشت و ماهیت قدرت در فقه سیاسی
۷۶	مقدمه
۷۶	۱. ریشه‌های الاهی قدرت
۷۸	۲. بعد قدسی و بعد انسانی قدرت
۸۰	۳. حاکمیت منطق اجتماعی بر قدرت
۸۲	۴. ماهیت قدرت
۸۲	۴/۱. قدرت به مثابه‌ی توانایی اتفاق و اجتماع
۸۸	۴/۲. قدرت به مثابه‌ی توانایی ایجاد تغییر و نیل به اهداف
۹۲	۴/۳. قدرت به مثابه‌ی کنترل و سلطه
۹۸	۴/۴. قدرت به مثابه‌ی خصلت برابندی ساختار
۱۰۰	فقه و ساختارهای قدرت
۱۰۲	۴/۵. قدرت به مثابه‌ی نیروی هنجارین ساختار
۱۰۸	۵. سطوح ظهور قدرت
۱۰۸	۵/۱. سطح تصمیم‌گیری یا رفتار
۱۱۱	۵/۲. سطح کنترل دستور کار یا ساختارهای اجرایی

- ۵/۳. سطح ساختارهای ارزشی و معرفتی..... ۱۱۷
۶. عامل قدرت..... ۱۲۴
۷. ابعاد قدرت..... ۱۲۵
- ۷/۱. ایده‌ی قدرت..... ۱۲۶
- ۷/۲. صورت و ظاهر قدرت..... ۱۲۸
۸. ابعاد قدرت از منظر دیگر..... ۱۳۲
- ۸/۱. بعد آشکار قدرت..... ۱۳۳
- الف قدرت فرهنگی:..... ۱۳۳
- ب) قدرت رسانه‌ای..... ۱۳۵
- ج) قدرت اقتصادی:..... ۱۳۷
- د) قدرت سیاسی..... ۱۳۹
- ه) قدرت مجازی..... ۱۴۰
- قدرت نظامی..... ۱۴۱
- ۸/۲. بعد پنهان قدرت..... ۱۴۲
- الف) علوم رفتاری و تأویلی:..... ۱۴۳
- ب) فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی:..... ۱۴۴
- جمع بندی فصل..... ۱۴۵
- فصل چهارم..... ۱۴۸
- شیوه‌های اعمال، منابع و اهداف قدرت..... ۱۴۸
- مقدمه..... ۱۴۹
۱. شیوه‌های اعمال قدرت..... ۱۴۹

۱/۱. شیوه‌های سنتی اعمال قدرت..... ۱۴۹

الف) اقناع..... ۱۴۹

عقد امان..... ۱۵۳

ب) اغوا..... ۱۵۷

ج) الهام..... ۱۵۹

مکانیسم الهام در فقه اسلامی..... ۱۶۰

د) تشویق و تنبیه..... ۱۶۲

تالیف قلوب یا استفاده از مکانیسم تشویق..... ۱۶۳

ه) قهر و اجبار..... ۱۶۸

استفاده از قوه قهریه در فقه اسلامی..... ۱۷۳

جهاد..... ۱۷۳

۱/۲. شیوه‌های نوین اعمال قدرت..... ۱۸۰

الف) مرجعیت‌سازی..... ۱۸۱

ب) فرهنگ‌سازی..... ۱۸۱

ج) گفتمان‌سازی..... ۱۸۲

د) هویت/غیریت‌سازی..... ۱۸۲

۲. قدرت و ستیزه..... ۱۸۳

۳. منابع قدرت..... ۱۹۰

۳/۱. منابع درونی قدرت..... ۱۹۲

الف) علم..... ۱۹۲

ب) ایمان..... ۱۹۴

ج) عزم و اراده	۱۹۵
۳/۲. منابع بیرونی قدرت	۱۹۶
الف) فرهنگ:	۱۹۶
ب) توانمندی‌های نظامی	۱۹۷
ج) جمعیت	۲۰۰
د. توسعه اقتصادی	۲۰۴
هـ ایدئولوژی	۲۰۷
۴. اهداف قدرت	۲۱۱
۴/۱. تحقق نظم و امنیت	۲۱۲
۴/۲. توسعه و بهبود معیشت	۲۱۵
۴/۳. تحقق عدالت اجتماعی	۲۱۷
۴/۴. قرب الهی	۲۱۹
جمع بندی فصل	۲۲۰
فصل پنجم	۲۲۴
راهبردهای مبتنی بر قدرت در روابط بین الملل	۲۲۴
مقدمه	۲۲۵
۱. جهاد فی سبیل الله، راهبرد بنیادی دولت اسلامی	۲۲۵
الف) تبدیل ضعف به قوت	۲۲۵
ب) فی سبیل الله بودن	۲۲۶
ج) تضعیف یا به شکست کشاندن دشمن	۲۲۷
د) تحت هدایت رهبری ولی فقیه	۲۲۸

- ه) مقاومت در برابر نظام سلطه..... ۲۲۸
- جهد ابتدایی در نظام بین الملل امروز..... ۲۲۹
۲. ترسیم دو فضای راهبردی..... ۲۳۲
۳. راهبرد دعوت یا جهاد فرهنگی و دیپلماتیک..... ۲۳۴
- ۳/۱. دعوت گرایی؛ جوهره‌ی رویکرد بین المللی دولت اسلامی..... ۲۳۶
- ۳/۲. گفتگو و دیپلماسی، ابزارهای رویکرد دعوت محور..... ۲۳۷
- ۳/۲/۲. کارکردهای گفتگو و دیپلماسی..... ۲۳۷
- ۳/۲/۲/۱. اعتماد سازی..... ۲۳۷
- فقه سیاسی و ضرورت اعتمادسازی در دیپلماسی..... ۲۳۹
- ۳/۲/۲/۲. مدیریت مسالمت‌آمیز تعارض‌های بین المللی..... ۲۴۲
- جایگاه شیوه‌های مسالمت‌آمیز در فقه سیاسی..... ۲۴۳
- ۳/۳. دیپلماسی عمومی از نگاه اسلام..... ۲۴۵
۴. خود اتکایی یا جهاد علمی و اقتصادی..... ۲۴۶
- ۴/۱. خوداتکایی و انزوا طلبی..... ۲۴۸
- اصل دعوت و راهبرد انزوا طلبی..... ۲۴۹
- ۴/۲. اشکالات و انتقادات نسبت به راهبرد خوداتکایی..... ۲۴۹
- ۴/۲/۱. سپری شدن دوران جنگ‌های تمام عیار و ایدئولوژیک..... ۲۵۰
- ۴/۲/۲. ساختار اقتصاد وابسته..... ۲۵۲
- ۴/۳. شرایط کامیابی..... ۲۵۶
- ۴/۴. خوداتکایی در آموزه‌های فقهی..... ۲۵۸
۵. بازدارندگی..... ۲۶۲

۲۶۳	۵/۱. مفهوم بازدارندگی.....
۲۶۵	۵/۲. مولفه‌های بازدارندگی.....
۲۶۶	۳/۲/۱. قدرت بازدارنده.....
۲۶۹	۳/۲/۲. دیپلماسی بازدارنده.....
۲۷۳	۵/۳. هدف بازدارندگی.....
۲۷۴	۵/۴. شرایط کامیابی بازدارندگی.....
۲۷۶	۵/۵. مشکلات بازدارندگی.....
۲۷۹	۶. تشکیل ائتلاف.....
۲۸۰	۶/۱. مزایای تشکیل اتحادیه‌های دفاعی.....
۲۸۰	۶/۱/۱. برقراری موازنه از طریق ترکیب توانایی‌ها.....
۲۸۲	۶/۱/۲. کاهش هزینه‌های دفاعی.....
۲۸۳	اصل تالیف قلوب و تشکیل پیمان‌های دفاعی.....
۲۸۴	۶/۲/۳. جامعه‌پذیری بین‌المللی.....
۲۸۶	احترام به معاهدات، مبنای فقهی تشکیل ائتلاف‌های بین‌المللی.....
۲۹۳	۶/۲. اولویت‌های تعیین‌کننده در آرایش ائتلاف.....
۲۹۳	۶/۲/۱. ارزش‌های مشترک.....
۲۹۴	۶/۲/۲. منطقه و جغرافیا.....
۲۹۵	۶/۲/۳. تهدیدات مشترک.....
۲۹۷	جمع بندی فصل.....
۳۰۰	جمع بندی و نتیجه‌گیری.....
۳۰۶	فهرست منابع.....

کتاب ها ..... ۳۰۶

مقالات ..... ۳۱۶

پایان نامه ها ..... ۳۱۷

سایت ها ..... ۳۱۷

# فصل اول

## کلیات و مفاهیم

## مقدمه

طبق شیوه‌ی مرسوم، ابتدا در این فصل به بررسی کلیات تحقیق پرداخته می‌شود و همچنین مفاهیمی نقش کلیدی در این رساله دارند، و خواننده و چه بسا مهم‌تر از آن خود نگارنده باید ابتدا تصویر روشنی از آن‌ها را ترسیم کند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

## ۱. کلیات

در قسمت کلیات، محورهای همچون طرح مساله، سوالات تحقیق، پیشینه‌ی تحقیق، ضرورت و اهمیت تحقیق، روش تحقیق و الگوی تحقیق مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۱/۱. طرح مساله

قدرت اساس هر نوع انتظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد و تفاوت چینش نقش‌ها و الگوها در درون هر نظم اجتماعی (چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی)، در واقع برخاسته از تنوعی است که در ذات قدرت انتظام بخش آن نظم اجتماعی وجود دارد. به همین دلیل است که گفته شده قدرت، ماهیتی کلیدی در علوم سیاسی دارد و مفهومی سامان بخش در این دانش تلقی می‌گردد. هر نوع تفاوت در برداشت و تلقی از قدرت، می‌تواند به تنوع پارادیم یا رهیافت نظری ما در علوم سیاسی منجر شود. در خصوص روابط بین‌الملل نیز می‌توان گفت که نوع نگاه به مفهوم قدرت، نقشی تعیین کننده در ترسیم جبهه‌بندی‌های نظری و نیز استراتژیک موجود در این عرصه داشته است. بر همین اساس در نظریه‌های روابط بین‌الملل ما از یک سو با واقع‌گرایانی مواجه هستیم که تلقی خاص آن‌ها از مفهوم قدرت و نقش تعیین کننده‌ای که برای آن در تعاملات بین‌المللی قائل هستند، آن‌ها را از دیگر مکاتب نظری متمایز می‌سازد و در جانب دیگر این طیف، آرمان‌گرایانی را می‌بینیم که هم در نوع برداشت خود از مفهوم قدرت و هم در تعیین جایگاه آن در تعاملات بین‌المللی، دیدگاه متفاوتی دارند.

از دیگر سوی چه بسا بتوان مدعی شد هر نوع دانشی که رویکردی اجتماعی داشته باشد، نمی‌تواند خالی از نوعی نگاه نظری درباره‌ی قدرت باشد. بر این اساس می‌توان به این نتیجه رسید که دانش فقه نیز که عهده‌دار تنظیم ظاهری حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها است، حامل نوعی نظریه درباره‌ی قدرت است. مقصود از نظریه، طرح جامع نظری است که پرسش‌های مختلف در باب قدرت را به صورتی سازوار و هماهنگ پاسخ می‌دهد و به ما قدرت تبیین پدیده‌های مختلف موجود در عرصه‌ی علوم سیاسی را اعطا

می‌کند. هر چند ممکن است تا کنون چنین نظریه‌ای از دل فقه استخراج نشده باشد، لکن رویکرد اجتماعی داشتن فقه، ضرورتاً به این معنا است که در فقه چنین نظریه‌ای ولو به صورتی نا مصرح وجود دارد. استخراج این نظریه، منوط به آن است که فقه مورد استنتاج (بر اساس آن چه شهید صدر در این باره می‌گوید) قرار گیرد و سوالاتی نظام‌مند بر فقه عرضه شود؛ آن چنان که پاسخ‌گویی به این سوالات، در واقع نظریه‌ی قدرت را در فقه سیاسی آشکار گرداند. استخراج نظریه‌ی قدرت در فقه سیاسی در واقع مقدمه‌ای است برای استفاده‌های استراتژیکی که در عرصه‌ی روابط بین الملل می‌تواند سرمشق دولت اسلامی در تنظیم سیاست خارجی باشد.

## ۱/۲. سوالات تحقیق

با توجه به آن چه در طرح مساله مورد اشاره قرار گرفت، سوالاتی که رساله‌ی حاضر بر اساس آن‌ها مفصل بندی شده است را می‌توان به قرار ذیل برشمرد:

**سوال اصلی:** نظریه قدرت با استناد به فقه سیاسی چگونه تبیین می‌شود و نتایج راهبردی آن در روابط

بین الملل چیست؟

برای پاسخ‌گویی به سوال اصلی، باید ابتدا آن را در قالب سوالات فرعی‌تری مورد تجزیه قرار داد. سوالات فرعی این رساله، به گونه‌ای تنظیم شده است که هر سوال، در واقع معادل با یکی از فصول رساله است:

۱. چارچوب مفهومی حاکم بر این تحقیق در عرصه‌ی بین الملل کدام است و هر یک از مفاهیم به کار

رفته در آن به چه معنا می‌باشد؟

۲. مبانی نظری (مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی معرفت‌شناختی) حاکم بر استخراج نظریه از فقه در

روابط بین الملل کدامند؟

۳. سرشت و ماهیت قدرت در فقه سیاسی چگونه تبیین می‌گردد؟

۴. شیوه‌های اعمال، ابعاد و اهداف قدرت در فقه سیاسی چگونه به تصویر کشیده می‌شود؟

۵. چه نتایج راهبردی از این رویکرد نظری در روابط بین الملل قابل استفاده است؟

### ۱/۳. فرضيه تحقيق

تحقيق حاضر بر اساس سوال از چيستي نظريه قدرت و نتايج راهبردي آن در روابط بين الملل تدوين مي گردد. مي توان گفت که اين تحقيق نوعي تحقيق اکتشافی است. معمولاً در چنین تحقیقاتی از ارائه‌ی هر نوع فرضیه خودداری می‌شود. ارائه‌ی فرضیه بیشتر در تحقیقاتی که به بررسی رابطه‌ی میان دو متغیر می‌پردازد و مدعی وجود یا عدم وجود نسبتی میان آن دو متغیر می‌باشد، رایج و متداول است. با وجود این، نگارنده زمانی که به طرح سوال درباره‌ی چيستي قدرت از منظر فقه سياسي پرداخت، بر این دیدگاه بود که نگاه رایج به فقه نگاه فردی بوده و به تبع آن، خوانش‌های صورت گرفته از قدرت نیز تحت تاثیر همین نگاه غالب بوده است. نگارنده بر این باور بوده که فقه ظرفیت طرح نگاه‌های ساختاری به قدرت را نیز در خود دارد. از این رو، در تبیین نظریه‌ی قدرت نیز، در عین پذیرش سطح کارگزار به عنوان یکی از سطوح تحلیل، می‌توان عنایت و توجه به سطوح ساختاری را مشاهده و استنباط کرد. بر این اساس، فرضیه‌ی تحقیق حاضر را چه بسا بتوان این چنین تقریر نمود:

فقه سياسي، قدرت را صرفاً در تقابل اراده‌ی دو عامل منحصر نمی‌داند، بلکه سطوح ساختاری را نیز به عنوان موطن خلق قدرت، به رسمیت می‌شناسد و در مقام ارائه‌ی راهبرد نیز، با عنایت به هر دو سطح کارگزار و ساختار، به ارائه‌ی راهبرد می‌پردازد.

### ۱/۴. پيشينه‌ی تحقيق

با توجه به آن که در پيشينه و سابقه‌ی تحقيق بایستی به آثاری اشاره کرد که مساله‌ی شما در آن آثار به نوعی مورد بررسی قرار گرفته باشد، می‌توان گفت که تحقیق حاضر از پيشينه‌ی فراوانی برخوردار نیست. نظریه‌ی قدرت در فقه سياسي و پیامدهای راهبردي آن، اساساً تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است. در عین حال، آثاری وجود دارد که اگر چه به نفس پرسش مطرح در این رساله نپرداخته‌اند، لکن یا پرسش‌های مشابهی داشته‌اند، و یا به بخش‌هایی از پرسش مطرح در این رساله پاسخ گفته‌اند. (لازم به یادآوری است آثاری که بر اساس نگاه‌های غربی و سکولار، «قدرت» را مورد بحث قرار داده‌اند).

۱. فلسفه‌ی قدرت، نوشته‌ی عباس نبوی، منتشر شده از سوی پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، از جمله آثاری است که ضمن مرور ادبیات نظری موجود در بحث قدرت، سعی کرده اندیشه‌های اسلامی در باب مفهوم قدرت را نیز مورد کند و کاو قرار دهد.

آن چه در این اثر به آن پرداخته نشده است، بررسی قدرت از دریچه‌ی فقه سياسي است؛ مضاف بر

این که پرداخت‌هایی که به بحث قدرت از نگاه اندیشمندان مسلمان صورت گرفته نیز بیشتر در حد آشکار ساختن مفهوم قدرت است و نه در حد تولید نظریه‌ی قدرت. همچنین ابعاد راهبردی بحث نیز در این کتاب مورد بحث قرار نگرفته است.

۲. *مقدمه‌ای بر قدرت ملی، مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش*، اثر هادی زرقانی، منتشر شده از سوی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی که به بررسی قدرت ملی و ابعاد مختلف آن پرداخته است.

در عین این که سعی شده در این کتاب دیدگاه تئوریک منسجمی در باب قدرت ارائه شود، چشم‌انداز فقهی در آن مورد توجه قرار نگرفته و ابعاد استراتژیک و راهبردی نیز مورد عنایت نبوده است.

۳. *پژوهش در موضوع قدرت، انواع، منابع، پیامدها و کنترل*، نوشته‌ی محمد حسین اسکندری، چاپ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، از دیگر آثاری است که به نوعی می‌توان آن را در شمار پیشینه‌ی رساله‌ی حاضر قلمداد کرد. در این کتاب نیز بحث‌های نظری قابل استفاده‌ای در باب قدرت مطرح شده است.

۴. *نظارت بر قدرت، اثر حجت الاسلام و المسلمین سید سجاد ایزدهی*، منتشر شده از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی از دیگر آثاری است که به بررسی بخشی از ابعاد مرتبط با قدرت پرداخته است.

در این کتاب در عین آن که بحث از چشم‌انداز فقه سیاسی مطرح شده است، اما مساله‌ی آن استخراج نظریه‌ی قدرت نبوده است. بعلاوه، کتاب مذکور به ابعاد راهبردی بحث قدرت نیز نپرداخته است.

۵. *رابطه‌ی قدرت و عدالت در فقه سیاسی*، اثر .....، از دیگر آثاری است که چه بسا در بخش پیشینه بتوان به آن اشاره کرد. در عین این که کار صورت گرفته این کتاب، ارزشمند است، اما دغدغه‌ی نگارنده بررسی رابطه‌ی میان عدالت و قدرت در نظریه‌های مختلف مطرح شده در حوزه‌ی علوم سیاسی است و نه ارائه‌ی نظریه‌ی جامع در باب قدرت و در ادامه استنباط نتایج راهبردی از این نظریه.

۶. *قدرت*، اثر دکتر منصور میر احمدی، تلاش نسبتاً موفقی در عرصه‌ی تحلیل قدرت را به نمایش گذاشته است. اما چنان که در بخش الگوی تحلیل نیز مورد اشاره قرار خواهد گرفت، الگوی مورد استفاده از سوی نگارنده‌ی این اثر، از نگاه رساله‌ی حاضر الگوی کاملی نیست و در آن جای طرح بسیاری از پرسش‌ها که یک نظریه‌ی قدرت باید بدان‌ها پاسخ بگوید، خالی است. مضاف بر این که کتاب حاضر بر فقه سیاسی متمرکز نیست و نگاهی به نتایج راهبردی نیز ندارد.

۷. *نظریه‌ی قدرت برگرفته از قرآن و سنت*، تالیف محمد هادی مفتاح، هدفی مشابه این رساله را در عنوان خویش منعکس ساخته و به دنبال آن است تا با مرجعیت قرآن و سنت به تدوین و استخراج نظریه‌ای پردازد که ابعاد مختلف مرتبط با مباحث قدرت را مورد پوشش قرار دهد. پژوهش انجام یافته در این کتاب نیز با آن چه نگارنده‌ی این رساله به دنبال آن است تفاوت داشته و کاستی‌هایی در آن است که به اعتقاد راقم این سطور، ضرورت تدوین این رساله را بیشتر آشکار می‌کند. کتاب فوق، به تصریح نگارنده، با هدف پاسخگویی به این سوال نگاشته شده که سیستم حکومتی اسلام برای تحقق آرمان‌شهر دینی چگونه است. پر واضح است که در این سوال قدرت، به نوعی منحصر

در نهاد حکومت و دولت تلقی شده و سوال کاملاً مرتبط با عرصه‌ی سیاست داخلی است و نه عرصه‌ی نظام بین‌المللی. متناسب با این هدف و ذهنیت، الگوی تحلیل و مولفه‌هایی که محقق به دنبال نظریه پردازی درباره‌ی آن‌ها بوده نیز متناسب با مباحث داخلی به نگارش درآمده و در مجموع صبغه‌ی بحث بیشتر حال و هوای جامعه‌شناسی سیاسی داخلی را دارد و نه مباحث مطرح در سطح بین‌المللی را.

## ۱/۵. ضرورت و اهمیت تحقیق

در حیات اجتماعی انسان‌ها قدرت یکی از کلیدی‌تری و تعیین‌کننده‌ترین مفاهیم است؛ مفهومی که بر تمامی دیگر ابعاد زندگی جمعی او اثر گذار می‌باشد. چه بسا بر همین اساس بوده که کسانی همچون لاکان، قدرت را «دال متعالی» نامیده‌اند؛ دالی که تو گویی بر دیگر دال‌های اجتماعی اشراف دارد؛ به گونه‌ای که آن‌ها جایگاه خود را در یک گفتمان اجتماعی و نیز معنا و مفهوم خود را در ارتباط و نسبتی که با قدرت برقرار می‌کنند، می‌یابند. چه بسا به همین جهت باشد که لاکلاو از آن به «نقطه‌ی ثقل در نظام‌های معنادار حیات انسانی» تعبیر می‌کند.<sup>۱</sup> تفاوتی نمی‌کند که قدرت را شری شیطنانی بدانیم یا فری اهورایی، مهم این است که روابط اجتماعی هیچ‌گاه بدون شکل‌گیری قدرت قابل تصور نبوده و نیست. هر جا که تولید، توزیع و تخصیص منابع کمیاب و امکانات محدود دنیایی ضرورت داشته باشد، قدرت نیز در آن جا حضور پیدا خواهد کرد و نقش کلیدی خود را نشان خواهد داد.<sup>۲</sup> در روابط میان ملت‌ها قدرت همواره نقشی اساسی و تعیین‌کننده داشته است. جهان امروز اما، به خصوص در حوزه‌ی روابط بین‌الملل، جهانی است که بیش از دیگر اعصار گذشته بر ارزش‌ها و قواعد در تنظیم روابط میان ملت‌ها تاکید دارد. در عین حال، جهان معاصر با تمام تکیه‌ای که بر فرهیختگی، انسانیت، مدارا، اخلاق‌گرایی (به معنای عام آن) و ... در حوزه‌ی روابط داشته است، و از این حیث خود را سرآمد نسل‌های انسانی در طول تاریخ می‌داند، در عمل به مراتب شدیدتر و خشن‌تر به «سیاست قدرت» عطف توجه نموده است.<sup>۳</sup>

بنابراین از قدرت گریزی نیست. در عین حال، پرداخت نظری به قدرت اگر بخواهد از همان دریچه‌ی نگاه غربی سامان بیابد، برای جامعه‌ای اسلامی کارگشا نخواهد بود؛ لا اقل از آن حیث که جامعه‌ای مسلمان

۱. تاجیک، محمد رضا، مقدمه‌ی چهارچوب‌های قدرت، تالیف استوارت آر. کنگ، ص ۱۰.

۲. حقیقت، سید صادق، توزیع قدرت در اندیشه‌ی سیاسی شیعه، ص ۱۴۴.

۳. تاجیک، محمد رضا، مقدمه‌ی چهارچوب‌های قدرت، تالیف استوارت آر. کنگ، ص ۷.